

مکاتیب نگاری در عرفان اسلامی

بررسی انتقادی تصحیح مکاتیب قطب بن محیی

مکاتیب (ج۳): عبدالله قطب بن محیی

تصحیح و تحقیق: هادی کاظمی

اصفهان، کانون پژوهش، ۱۳۹۶.



سمیه جبارپور

دکترای زبان و ادبیات فارسی - عرفانی / Somaye.jabarpour@gmail.com

چکیده

مکاتیب عنوان نامه‌های قطب‌الدین محمد بن محیی بن محمود، مشهور به «عبدالله قطب» و «قطب بن محیی»، از عرفای سده نهم هجری، است. تاکنون، چاپ‌های متعددی از این کتاب انجام گرفته است که هر یک فواید و کاستی‌هایی دارند. از این میان، مجموعه سه جلدی مکاتیب قابل ذکر است که در سال ۱۳۹۶ به تصحیح و تحقیق هادی کاظمی از سوی انتشارات کانون پژوهش اصفهان به طبع رسیده است. با اینکه نزدیک به بسیاری از نامه‌های قطب در این مجموعه گردآوری شده است، ولی از جهات مختلفی قابل بحث و بررسی می‌باشد. در نوشتار حاضر ضمن بررسی ویژگی‌های این مجموعه سه جلدی، مواردی از قبیل نسخه‌شناسی اثر، روش تصحیح و تحقیق، تعلیقات، نکات فنی، ویرایشی و نگارشی مورد نقد و بحث قرار گرفته است.

مکاتیب عنوان نامه‌های عرفانی عبدالله قطب‌بن محیی شیرازی از زاهدان و عارفان سده نهم هجری در فارس (جهرم/ لار/ کوشکنار) است که خطاب به افراد مختلفی نوشته شده است. به این معنا که مخاطب نامه‌های قطب، اقشار گوناگونی از افراد، همچون فرزندان ذکور وی، پیروان و مریدان او - که از آنان با عنوان «إخوان» نام می‌برد و در مواردی هم مخاطب، شخص معینی از مریدان وی است که به اسم از او یاد می‌شود، علما و فقها و حتی رجال سیاسی و در پاره‌ای از موارد هم عموم مردم است. بنابراین، حسب مخاطب نامه‌ها و موضوعی که از قطب‌بن محیی سؤال شده است، محتوای نامه‌ها نیز تنوع قابل توجهی دارد. مکتوبات این عالم اهل معرفت، غالباً به زبان فارسی و در مواردی هم به عربی نوشته شده است. نامه‌های قطب‌بن محیی، علیرغم وجود برخی لغات دشوار، با بیانی رسا و سلیس و بلیغ نگاشته شده است و از هر نوع تکلف و دشواری که در فهم مباحث عرفانی وجود دارد، به دور می‌باشد. روانی و شیوایی زبان مؤلف آن موجب ملالت خاطر مخاطب نمی‌شود و او را شیفته‌وار به مطالعه تمام نامه‌ها ترغیب می‌کند. محقق محترم، این مکتوبات را که تعداد آنها به ۱۰۴۲ نامه می‌رسد، در سه جلد به چاپ رسانده است که از این میان، به تصریح وی بیش از ۵۵۰ نامه تا کنون از نسخ خطی استخراج و چاپ نشده است؛ اما با وجود زحمتی که در گردآوری این مجموعه متحمل شده‌اند، کاستی‌هایی به چشم می‌خورد که در ادامه نوشتار حاضر، کوشیده‌ایم تا ذیل چند بخش، آنها را مطرح کنیم.

۲- پیشینه تحقیقات درباره مکاتیب قطب بن محیی

بر اساس بررسی راقم سطور، تا کنون دو مقاله درباره معرفی مکاتیب قطب‌بن محیی در مجله آینه پژوهش به چاپ رسیده که هیچ کدام از آنها، نقد و بررسی تصحیح و چاپ‌های آن نبوده است: «سیر تاریخی نگارش مکاتیب عرفانی» از محمد بدیعی و «جستاری در منتخب مکاتیب قطب» از جواد خرمیان! مقاله اول، معرفی چاپ گزیده‌ای از مکاتیب است که انتشارات قائم آل محمد^(ص) آن را منتشر کرده و تنها صفحات پایانی آن، به معرفی این چاپ اختصاص یافته است. همچنین، درباره وجوه اهمیت مکاتیب و شرح مختصری از عقاید قطب، مطالبی در این مقاله مطرح شده که قابل توجه است. مقاله دوم که در معرفی کتاب منتخب مکاتیب قطب از

ملا محسن فیض کاشانی است، در برخی قسمت‌ها، از مطالب مقالهٔ اوّل استفاده کرده (برای مقایسه، رک: خرمیان، ۱۳۸۸: ۶۹) و باقی صفحات را به معرفی اجمالی و کلی مکاتیب اختصاص داده است که خالی از فایده نیست.

پژوهشی که در شناساندن قطب‌بن محیی و مکاتیب او بر تمام تحقیقات مربوط به این حوزه، فضل تقدم دارد و بیگمان مأخذ بسیاری از آنها نیز بوده است، «رسائل قطب‌بن محیی» نوشتهٔ علامه محمد قزوینی است. (رک زرین کوب، ۱۳۸۷: ۷۶) افزودنی است که مقالات متعدد دیگری هم دربارهٔ قطب‌بن محیی و یگانه اثر به جا مانده از وی در نشریات مختلف و در طول سالیان، چاپ شده که جهت آشنایی با اندیشه‌های این عارف بزرگ و زمانه و محیطی که در آن به سر می‌برد، ناچیز است و برخی از آنها در باب موقعیت جغرافیایی اخوان‌آباد می‌باشد که قطب آن را تأسیس کرده است. (مانند: وثوقی، ۱۳۸۰ و دانشگر، ۱۳۹۱) در شهریور ۱۳۹۹ برای نخستین بار، همایشی ملی در بزرگداشت قطب‌بن محیی و افکار و اندیشه‌های وی با عنوان «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشهٔ قطب‌بن محیی» برگزار شد که می‌تواند نقطهٔ عطفی در تحقیقات علمی و پژوهشی در این باب تلقی شود.^۲ در این همایش حدود ۲۹ مقاله از سوی محققان و پژوهشگران ارائه شد که موضوع آنها را

”

برای انجام پژوهش‌های دقیق و معتبر دربارهٔ قطب و احوال و افکار او، ابتدا باید چاپی انتقادی و معتبر از مکاتیب او صورت بگیرد. با اینکه مکاتیب به لحاظ محتوا و مختصات زبانی از آثار فاخر و قابل اهمیتی به شمار می‌آید، شماری از مکتوبات آن چاپ شده است که هر کدام از آن چاپ‌ها از جهاتی نواقص و کاستی‌هایی دارند.

“

در دو دسته کلی: اندیشه‌ها و دیدگاه‌های دینی، فلسفی و عرفانی قطب؛ و ساختار سبک نامه‌های او می‌توان جای داد. در میان عناوین و موضوعات مقالات مذکور به مسئله تصحیح و نسخ و چاپ‌های مکاتیب قطب پرداخته نشده است.

۳- بررسی چاپ‌های مکاتیب

برای انجام پژوهش‌های دقیق و معتبر درباره قطب و احوال و افکار او، ابتدا باید چایی انتقادی و معتبر از مکاتیب او صورت بگیرد. با اینکه مکاتیب به لحاظ محتوا و مختصات زبانی از آثار فاخر و قابل اهمیتی به شمار می‌آید، شماری از مکتوبات آن چاپ شده است که هر کدام از آن چاپ‌ها از جهاتی نواقص و کاستی‌هایی دارند. ناگفته نماند به نظر دکتر زرین کوب «مکاتیب قطب به آنچه در نسخه‌های شناخته شده خطی و چاپی موجود هست محدود نیست و ممکن هم هست بعضی مکاتیب متعلق به قطب دیگری با آنها خلط شده باشد.» (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۳۵۸)

ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۷ ق) عارف و دانشمند شیعه دوره صفوی، منتخبی از نامه‌های قطب بن محیی را که شامل ۱۳۱ مکتوب می‌شود، گردآوری کرده که با تصحیح سید مجید حسین‌زاده حجازی و مقدمه جواد خرمیان در سال ۱۳۸۷ چاپ شده است. همچنین، کتاب احسن التراتیب فی نظم درر المکاتیب که ملا حبیب‌الله شریف کاشانی (درگذشته ۱۳۴۰ ق) آن را در ۲۴ باب به صورت موضوعی گزینش و تنظیم کرده و آن نیز در سال ۱۳۹۰ به اهتمام علی صدرایی خویی و شعبان نصرتی چاپ شده است. این دو کتاب، به احتمال از کهن‌ترین نمونه‌های گزیده مکاتیب از سده‌های گذشته است؛ مکاتیب در دوران معاصر نیز به صورت مستقل و مشتمل بر برخی نامه‌های قطب چاپ و منتشر شده است. از میان این چاپ‌ها، مکاتیب عبدالله قطب بن محیی با تصحیح و تحقیق سید محمدجعفر باقری به جهت اشمال بر تعلیقات و اعراب‌گذاری عبارات عربی و ترجمه آنها و توضیح برخی لغات، نسبت به دیگر چاپ‌ها رجحان و برتری دارد و در آن به اختلاف نسخ نیز توجه شده است. نامه‌های موجود در این کتاب که ۳۵۰ مکتوب است، در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات قائم آل محمد بازنشر شد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هیچ یک از چاپ‌های مذکور در برگیرنده تمام نامه‌های قطب نیست و حتی برخی مکتوبات آن هم ناقص است و ایراداتی از نظر تصحیح و تحقیق

روشمند در آنها دیده می‌شود. در سال ۱۳۹۵ چاپ منقح و پیراسته‌ای از مکاتیب به تصحیح و تحقیق دکتر مریم دانشگر از سوی انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی چاپ شد. این نخستین چاپ روشمند و منطبق با موازین صحیح تصحیح نسخ خطی از مکاتیب است که مشتمل بر ۱۰۰ نامه می‌شود و جلد دوم آن نیز به تازگی (بهمن ۱۴۰۲) به طبع رسیده است.^۲ در این چاپ (جلد اول) که در قیاس با تمام چاپ‌های مکاتیب از ارزش علمی و پژوهشی زیادی برخوردار است، دستنویس‌های مکاتیب بر اساس درجه اعتبار و اهمیت آن معرفی و نسخه اساس و نسخه بدل‌ها مشخص شده است. مقدمه محققانه و تعلیقات مهم آن از دیگر امتیازات چاپ مذکور است.

آخرین چاپ مکاتیب (قبل از انتشار جلد دوم چاپ فرهنگستان)، مجموعه سه جلدی مورد بررسی ما است که با همین عنوان در سال ۱۳۹۶ به اهتمام هادی کاظمی چاپ شده است. مزیتی که این کتاب نسبت به چاپ‌های قبلی دارد، اشمال آن بر تعداد زیادی از مکتوبات قطب است که بخش قابل توجهی از آنها برای نخستین بار است که چاپ می‌شود. نامه‌های این سه جلد که برخی از آنها قبلاً در ضمن چاپ‌های مکاتیب، که در بالا اشاره شد، منتشر شده، آمده است به این شرح است:

جلد اول این چاپ مشتمل بر همان ۳۵۰ نامه‌ای است که در چاپ باقری و انتشارات قائم و با همان ترتیب آمده است. کاظمی خود در مقدمه به این مطلب اشاره کرده که در تدوین نامه‌های جلد اول، مرجع وی چاپ انتشارات قائم بودهاست.

جلد دوم ۳۰۵ نامه را در برمی‌گیرد که از مکتوب ۳۵۵ تا ۶۶۰ نامه‌هایی است که در چاپ فرهنگستان کامل آمده، به غیر از چند نامه عربی که دکتر دانشگر آنها را نیآورده است. لازم به ذکر است که به احتمال زیاد، کاظمی از چاپ فرهنگستان بی اطلاع بوده، زیرا در مقدمه کتاب به این چاپ و نیز چاپ باقری اشاره‌ای نکرده است و این نشانگر ناقص بودن اطلاعات کتاب‌شناختی اثر است. وی در چاپ تمام نامه‌های این مجلد، از تک نسخه کتابخانه وزیری یزد استفاده کرده است (هم در ترتیب نامه‌ها و هم تعداد آنها). بنابراین، ۱۰۰ مکتوب از مکتوبات جلد دوم (بدون احتساب نامه‌های عربی) قبلاً در چاپ فرهنگستان منتشر شده بود، اما با تفاوت‌های بسیار در تصحیح که در ادامه بیان خواهد شد.

جلد سوم شامل ۳۸۵ نامه می‌شود که مصحح به اشتباه تعداد آنها را ۳۲۴ ذکر کرده است (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴۸). به تصریح وی این مجلد مشتمل بر ۴۸ نامه از منتخب کاشانی و بیش از ۲۰ نامه از احسن‌الترتیب است که پس از مقابله با نسخه خطی، آنها را استخراج و در این جلد آورده است. باقی مکتوبات این مجلد را از نسخی جز نسخه وزیری استخراج و منتشر کرده است (همان، ۴۶). به این ترتیب، بخشی از جلد سوم در بردارنده نامه‌هایی است که بعضی از آنها در دو کتاب منتخب فیض و احسن‌الترتیب چاپ شده بود و بخش دیگر را از بعضی دستنویس‌هایی که محقق به آنها دسترسی داشته، استخراج و نسخه‌برداری کرده است.

آنچه از بررسی نامه‌های این سه جلد معلوم شد اینکه محقق محترم مکتوبات منتشر شده در تمام چاپ‌های مکاتیب را در یک مجموعه گردآورده است و برخی را که قبلاً چاپ شده بودند، مجدداً ویرایش و منتشر کرده است. بنابراین، این اثر بیش از آنکه تصحیح باشد، مقابله و ویراستی جدید از نامه‌های چاپ شده و چاپ نشده قطب‌بن محیی از روی آثار چاپی و چند نسخه خطی است که در ادامه بیشتر توضیح خواهیم داد.

۴- بحث و بررسی

همان‌طور که اشاره شد، مکاتیب قطب‌بن محیی چندین بار چاپ شده است، اما هیچ‌یک از آنها در برگیرنده تمامی نامه‌ها نیست و بلکه، آنهایی هم که چاپ شده است، شامل متن کامل نامه‌ها نمی‌شود. کاظمی در مقدمه خود به این نکته اشاره کرده است: «تا کنون نسخه‌ای که در بردارنده تمام نامه‌های قطب باشد به دست نیامده و نسخه‌های موجود در واقع هر کدام گزیده‌ای از این کتاب می‌باشند و تفاوت‌های قابل توجهی با هم دارند، چه در اینکه هر نسخه مشتمل بر کدام نامه‌هاست، و چه در تعداد نامه‌هایی که در هر نسخه آمده، و چه در ترتیب نامه‌ها» (همان، ۴۰). از ویژگی‌های این چاپ، آن است که متن نامه‌ها به طور کامل از آغاز تا انجام، آمده است؛ بر خلاف چاپ‌های قبلی - به جز چاپ فرهنگستان - که در آنها، قسمت آغازین برخی نامه‌ها و به خصوص بخشی که مخاطب نامه را معلوم می‌کند، نیامده است. برای آشنایی بیشتر با ویژگی‌های این چاپ از مکاتیب، مواردی ذیل چند عنوان مطرح و مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴-۱- دستنویس‌های مکاتیب و روش تصحیح کتاب

کتاب سه جلدی مکاتیب، شامل سه بخش: مقدمه، متن نامه‌ها، فهرست اعلام و کتابنامه است. در آغاز هر مکتوب، به ترتیب: شماره نامه، عنوانی که مؤلف به برخی از نامه‌ها داده و داخل دو هلال آمده و عنوان فرعی که داخل قلاب قرار گرفته است، ملاحظه می‌شود. محقق اثر آن طور که اشاره کرده، برای گردآوری این نامه‌ها در این مجموعه، هم به نسخ چاپی و هم دستنویس‌های مکاتیب مراجعه و بیش از بیست نسخه خطی را بررسی کرده است. وی در ذیل عنوان نسخ خطی در مقدمه، به معرفی ۲۳ نسخه خطی پرداخته است که از این میان، نسخه وزیری مرجع تمام نامه‌های جلد دوم بوده، به جز نامه اول که از ابتدای یکی از نسخ خطی آستان قدس نسخه‌برداری شده است (همان، ۵). نامه‌های این دستنویس به جز سه نامه، به سایر نسخ مکاتیب راه نیافته است (همان، ۴۴). به اشاره وی، با توجه به اینکه نسخه وزیری، تنها نسخه موجود از نامه‌های جلد دوم بوده، دشواری‌های بسیاری در خوانش آن وجود داشته است. البته اگر ایشان به نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۷۳/۶۵۵۷)) که نسخه‌ای خواناست، رجوع می‌کردند، این مشکل تا اندازه‌ای مرتفع می‌شد. زیرا از میان ۳۰۶ مکتوب نسخه وزیری، ۱۳۸ نامه در نسخه دانشگاه تهران وجود دارد (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۵: پنج‌ه و سه) و مراجعه به آن برخی از این مشکلات را رفع می‌کرد. دکتر دانشگر که هر دو نسخه را در اختیار داشته، از نسخه دانشگاه تهران به عنوان نسخه اساس و از نسخه وزیری برای رفع بعضی دشواری‌های متن استفاده کرده است.

کازمی به جز نسخه وزیری، دو نسخه دیگر هم در مقدمه معرفی کرده که در جلد اول و سوم و در تصحیح بخش زیادی از نامه‌ها به این دو نسخه مراجعه شده است: نسخه دوم به شماره ۴۲۷۸ و نسخه چهارم به شماره ۴۴۴۳۶/۵۰۰۲ که هر دو متعلق به کتابخانه مجلس است (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶: ۵۰-۵۱). باقی نسخه‌ها یعنی نسخه‌های شماره ۳ و ۵ تا ۱۹ بر طبق فهرست نسخی که در مقدمه کتاب آمده است، متعلق به کتابخانه مجلس است و نسخه‌های شماره ۲۰-۲۳ هم متعلق به کتابخانه آستان قدس می‌باشد. در مقدمه هیچ اشاره‌ای درباره چگونگی استفاده از آنها در تصحیح نامه‌ها نشده است و اصلی‌ترین اشکالی هم که بر این چاپ وارد است، از همین جا ناشی می‌شود، چون عدم معرفی دقیق نسخه‌ها نشان‌دهنده فقدان تصحیح علمی و انتقادی

است. از عواملی که موجب شده مکاتیب چاپ فرهنگستان را تحقیق و تصحیحی علمی و روشمند بدانیم، رویکرد تخصصی به مقوله نسخه‌شناسی و تصحیح است. مصحح این چاپ به پنجاه دستنویس مراجعه و پس از بررسی آنها با دلایل متقنی نسخه‌اساس و نسخه‌بدل‌ها را مشخص کرده است: «نگارنده در جست‌وجوی نسخه‌ای اصیل و ارزشمند برای تصحیح مکاتیب قطب محیی که تا کنون طبع مصحح از آن فراهم نیامده است، قریب به پنجاه نسخه خطی در اختیار داشته و پس از بررسی، نسخه مذکور را [یعنی نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران] به سبب تقدم زمانی و صحت، به عنوان نسخه‌اساس برگزیده است» (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۵: ۴۴ و ۴۵-۴۶)؛ وی دلیل اعتبار این نسخه را نسبت به دیگر دستنویس‌ها در این می‌داند که «در حال حاضر قدیمی‌ترین نسخه شناخته شده از مکاتیب قطب‌الدین محمد، نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است که در سال ۹۸۵ هجری قمری کتابت شده است» و «به دلیل سلامت و نیز متقدم بودن آن نسبت به سایر نسخ، مهم‌ترین نسخه مکاتیب قطب محسوب می‌شود.» (همان جا). همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، دانشگر از نسخه وزیری فقط برای تکمیل برخی نواقص استفاده کرده است، زیرا نسخه‌اساس وی اعتبار و اصالت بیشتری در ضبط واژگان دارد.

”

محقق چاپ سه جلدی مکاتیب، نسخ متعددی در اختیار داشته است، اما درباره شیوه مقابله و تصحیح خود توضیحی ارائه نکرده و معلوم نیست انتخاب چهار نسخه از میان این نسخ به چه دلیلی بوده است؟ توضیحات وی نشانگر آن است که کامل و ناقص بودن و تعداد نامه‌ها اولویت داشته است.

“

با توجه به توضیحاتی که کاظمی درباره روش کار خود داده است، معلوم می‌شود که شیوه وی در تصحیح متن مکاتیب، روش ساده و سنتی نسخه‌برداری و مقابله بوده است، فارغ از اینکه چنین روشی در تصحیح علمی و انتقادی متن تا چه حد مقبول است. بر اهل فن پوشیده نیست که در تصحیح علمی - انتقادی متن، صرف نوشتن مقدمه و اسم بردن از چند نسخه خطی و یا مقابله نسخه چاپی با دستنویس / دستنویس‌ها و اصلاح اغلاط آن کافی نیست و نمی‌توان چنین کاری را تصحیح نامید (در این باره رک: زرین کوب، ۱۳۷۹: ۷۴). با اینکه مصحح به وجود نسخه‌های متعددی از مکاتیب و اختلاف زیاد آنها اشاره کرده است (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴۰)، اما مقصود وی از اختلاف نسخ خطی، اختلاف از بابت احتوا بر نامه‌هایی است که در آن نسخ موجود است. به عبارتی، مقصود وی از اختلاف نسخ، اختلاف کمی و یا اختلاف در تعداد نامه‌ها است، بدین معنی که برخی از نسخ مشتمل بر مکتوبهایی است که در دستنویس‌های دیگر نیست و اهتمام مصحح نیز بر گردآوری همه نامه‌های قطب‌بن محیی از نسخ خطی مختلف بوده است که از حیث تعداد نامه‌ها با هم اختلاف داشته‌اند. حال آنکه مقصود از توجه به اختلاف نسخ خطی در تصحیح متن، اختلافات کلی نسخ به لحاظ ضبط واژگان و تعیین اصالت و صحت و دقت کتابت آنها است. کاظمی در این اثر، تنها به معرفی بیست و سه نسخه خطی مورد رجوع (همان: ۵۰-۵۵) در مقدمه اکتفا کرده و این دستنویس‌ها را به لحاظ اعتبار آنها و یا نزدیکی به زمان مؤلف ارزیابی دقیقی نکرده و درجه اعتبار هیچ یک را معلوم نکرده و معیار خود را از انتخاب این نسخه‌ها از میان صدها دستنویس مکاتیب بیان نکرده است. با اینکه شیوه وی در تصحیح متن، مقابله دستنویس‌ها بوده است، لازم بود تا اغلاطی را که پس از مقابله نسخ چاپی با دستنویس‌ها، تصحیح کرده‌اند، در تعلیقات یا حاشیه متن ذکر و معلوم می‌کردند که در نسخه مورد مراجعه، ضبط واژه چگونه بوده و ادله ایشان در رجحان ضبط منتخبشان چه بوده است.

تصحیح متن، دانشی است که از روش‌های علمی و انتقادی برای بازسازی متن استفاده می‌شود (مجرد، ۱۳۹۶: ۱۴۳) و ارزیابی دستنویس‌ها پایه اصلی در فن تصحیح به شمار می‌رود و هر چه این ارزیابی، علمی و دقیق باشد، متن تصحیح شده، دقیق و اصیل خواهد بود (همان، ۱۴۳). مکاتیب قطب‌بن محیی دستنویس‌های فراوانی دارد، نزدیک به صد یا بیشتر

(عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۸۴: ۲۷)، ولی امر خطیر نسخه‌شناسی، یعنی بررسی نسخه‌ها و تعیین چگونگی و اصالت آنها، تفاوت‌ها، دلایل تعدد نسخ و اموری از این قبیل در تصحیح این متن عرفانی مهم رعایت نشده است. با توجه به عدم اشاره مصحح در متن مصحح به نسخه‌بدل‌ها و یا اختلاف ضبط‌ها، این سؤال پیش می‌آید که آیا اختلافی در ضبط واژگان در دستنویس‌های مکاتیب وجود نداشته است؟ درحالی‌که هم کاظمی و هم دانشگر هر دو به این نکته اشاره کرده‌اند که به دلیل تعلیمی بودن نامه‌ها نسخه‌برداری زیادی توسط سالکان صورت گرفته و این امر موجب کثرت نسخ و در نتیجه بروز اختلافات بسیار شده است.

محقق این چاپ سه جلدی مکاتیب، نسخ متعددی در اختیار داشته است، اما درباره شیوه مقابله و تصحیح خود توضیحی ارائه نکرده و معلوم نیست انتخاب چهار نسخه از میان این نسخ به چه دلیلی بوده است؟ توضیحات وی نشانگر آن است که کامل و ناقص بودن و تعداد نامه‌ها اولویت داشته است و پس از مقابله نامه‌های چاپ شده با نسخ خطی در جلد اول و سوم و نسخه‌برداری نامه‌های جلد دوم، برخی تغییرات ویرایشی و نگارشی در آنها اعمال کرده‌اند که خود این اقدام نیز خالی از اشکال نیست. زیرا در بعضی جاها علائم سجاوندی به دلیل بدخوانی در جای مناسب خود به کار نرفته است و گزینش رسم‌الخط بعضی واژگان، سلیقه‌ای بوده و به ضبط نسخه‌ها توجه نشده است. از طرفی هم نتیجه مقابله وی در تعلیقات یا پانوشت کتاب گزارش نشده است؛ هرچند نتیجه بررسی ما نشان می‌دهد که در بعضی قسمت‌ها انتخاب مصحح محترم مرجح است. در ادامه، به عنوان شاهد گفته‌های خود، نمونه‌هایی از هر سه جلد ذکر می‌کنیم.

۴-۲- بررسی انتقادی متن نامه‌ها

قبلاً نیز ذکر شد که جلد اول مکاتیب حاصل مقابله نسخه چاپی انتشارات قائم با نسخه خطی کتابخانه مجلس است. اما چنین می‌نماید که حاصل کار مصحح این مجموعه بیشتر مربوط به اختلافات رسم‌الخط واژگان می‌شود و بعضی موارد هم سلیقه‌ای بوده است، مانند در گیومه گذاشتن بعضی کلمات که به نظر مصحح مهم آمده است:

و حفظ بنیه «نوعاً و شخصاً» بدان منوط گشته. (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴)

یا به کار بردن ی به جای ئ / ئ و یا عکس آن، مانند:

آیین به جای آئین (همان، ۳)؛ زائل به جای زایل (همان جا)؛ استیفای به جای استیفاء (همان، ۴)؛
استئثار به جای استیثار (همان جا).

و مواردی چون:

بیروند به جای بیروناند (همان، ۵)؛ خوانند به جای خواند (همان، ۸۱۷)؛ هستیی به جای هستی‌ای
(همان، ۷)؛ غوغاست به جای غوغا است (همان، ۵)؛ تحفه‌ای به جای تحفه / تحفه (همان، ۶)؛
اعوانهمایند به جای اعوانهماند (همان، ۸).

در جلد دوم، مکتوب ۴۴۰ را که برابر مکتوب ۷۹ چاپ فرهنگستان است، برگزیدیم و بخشی
از اختلافاتی که تفاوت در تصحیح و ضبط واژگان را نشان می‌دهد، ذکر می‌کنیم. ناگفته نماند که
این اختلافات ناشی از آن است که در چاپ فرهنگستان، نسخه دانشگاه تهران نسخه اساس است،
ولی چاپ مورد بررسی ما تک نسخه وزیری را مبنا قرار داده است. در اینجا ملاحظه خواهد شد
که تصحیح و ضبط‌های دکتر دانشگر از چه میزان دقت و صحت و اعتبار برخوردار است.

(الف) برخی نشانه‌های سجاوندی که در جای مناسب خود به کار نرفته است:

- هرکس در آن سری کشید! ناچار ایشان نیز دست برآرند، همچون غارت که هرکس چون
بیند که دیگران می‌کنند او گوید: من نیز چرا نکنم؟ (همان، ج ۲: ۱۲۳۹)

- هرکس در آن سری کشید ناچار ایشان نیز دست برآرند. همچون غارت که هرکس چون
بیند که دیگران می‌کنند او گوید: «من نیز چرا نکنم؟» (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۹۵: ۲۹۸)
(ب) اختلاف در ضبط واژگان:

- همه ظلمت مر ظلمت باشد، کسی سرانجام خود نداند و پیش پای خود نه بیند، باب
عذاب باشد که مفتوح شده باشد، هر محنت و عذاب و غصه که از جایی روی نماید (عبدالله
قطب بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۲۳۹).

- همه ظلمت بر ظلمت باشد، کسی سرانجام خود نداند و پیش پای خود بیند. باب عذاب
باشد که مفتوح شده باشد، هر محنت و عذاب و غصه و اضطراب که از جایی روی نماید
(عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۹۵: ۲۹۸).



- لاجرم در درکات آن ادراک، پیوسته متقلباند و هیچ راه و روی بیرون نمی‌یابند (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۲۴۰).

- لاجرم در درکات آن ادراک، پیوسته متقلباند و هیچ راه و روی بیرون نمی‌باشد (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۵: ۲۹۸).



- و تسبب، اظهار مناسباتی است کائنه میان اشیا، که اگر خدای عزوجل مستور می‌ماند و آن خواست اشیا را به فعل نمی‌آورد مطالعه کمال جوهر خود و معانی خود نمی‌کرد (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۲۴۱).

- و تسبب، اظهار مناسباتی است کائنه میان اشیا، که گر خدای عزوجل اظهار آن نکردی و امر را بی آن قانون به محض قدرت جاری کردی، میسر داشت اما آن معانی مستور می‌ماند و آن خواص اشیا را به فعل نمی‌آمد و مطالعه کمال جوهر خود و معانی خود نمی‌کرد (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۵: ۲۹۹).



- چنانچه اگر هاروت و ماروت، وصف سحر نمی‌کردند کس سحر نمی‌دانست و محبان سحر، ناکام می‌ماندند (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۲۴۲).

- چنانچه اگر هاروت و ماروت، وصف سحر نمی‌کردند کس سحر نمی‌دانست و همچنان سحره، ناکام می‌ماندند. (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۵: ۲۹۹)

ج) در جلد سوم نیز نامه ۶۵۸ «مکاتیب» مورد بحث را با نامه ۲ منتخب فیض مقابله کرده‌ایم. اینجا نیز اختلافات بیشتر مربوط به رسم الخط و یا املائی کلمات است. نتیجه مقابله مبین آن است که ضبط‌های کاظمی در برخی موارد دقیق‌تر بوده است.

- ... و به اجتماع و انفرادی که شرط تیسر سلوک است بر ایشان منت نهاد (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۸۷۹).

- ... و به اجتماع و انفرادی که شرط تیسیر سلوک است بر ایشان منت نهاد (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۴).



- شیخ اخوان «أیده الله و أعانه» را وقت کار رسیده، چه، مراقبت جماعت و باز وقت احوال ایشان بودن، و تنبیه هرکس را که غفلتی روی نماید کردن... (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۸۷۹).

- شیخ اخوان را «أیده الله و أعانه» وقت کار رسیده، چه، مراقبه جماعت و باز وقت احوال ایشان بودن، و تنبیه هرکس را که غفلت روی نماید کردن... (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۸۷: ۵۴).



- ... و الا به خلوت روند و به مطالعه و کتابت و حال خود مشغول گردند. و چون فریضه عشا گذارند فی الحال به خانه های خود روند... (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۸۷۹)

- ... و الا به خلوت روند و به مطالعه و کتابت و حال خود مشغول شوند. و چون فریضه عشا گذارند فی الحال با خانه های خود روند... (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۸۷: ۵۵)



- ... تا مجلس آخر بشود و برنتوان خواست که بیرون روند. التماس کنند از شیخ تا که قاری را بفرماید تا ساعتی ساکت شود و به آن مشغول گردند... (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۸۷۹)

- ... تا مجلس آخر بشود و برنتوان خواست که بیرون روند. التماس کنند از شیخ تا که قاری را بفرماید تا ساعتی ساکت شود و به آن مهم مشغول گردند... (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۸۷: ۵۶)

نکته: املائی صحیح «برخواست» می باشد و «برخواست» نادرست است و لذا، ضبط کاظمی درست می باشد.



- خدای عزوجل در صفت اولیای خود فرموده... (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۸۷۹)

- خدای عزوجل در صفت اولیای خود فرموده اند... (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۸۷: ۵۸)

بدیهی است که ضبط کاظمی صحیح است.

۴-۳- مقدمه کتاب

کتاب مقدمه خوبی دارد، اما جای طرح بسیاری مطالب در آن خالی مانده است، از جمله بررسی مواضع و دیدگاه های عرفانی قطب بن محیی و اوضاع زمانه و معاصران او و بسیاری از مطالب

و پژوهش‌های عرفانی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی و علمی بر اساس نامه‌های وی و شواهد و مستندات متقن تاریخی که وجود دارد. این سخن به این معنا نیست که مقدمه عاری از هر نوع تحقیق درباره قطب است، زیرا از آنجایی که در این چاپ ارجمند، بسیاری از نامه‌ها نخستین بار است که منتشر می‌شود، اطلاعات مصحح درباره برخی مسائل کامل‌تر از تحقیقات پیشین بوده است. از باب نمونه، دکتر دانشگر، قطب‌بن محیی را با توجه به اشارات برخی نامه‌ها و تحقیق در منابع تاریخی صاحب سه فرزند به نام‌های محیی‌الدین محمد، شرف‌الدین احمد و نظام‌الدین محمود می‌داند، (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۵: بیست و شش - بیست و هفت) اما کاظمی علاوه بر آنها به فرزند چهارم قطب نیز اشاره می‌کند که نام او رکن‌الدین عیسی بوده و در نامه‌های ۶۷ و ۴۷۸ (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۶) از او یاد شده است.

بخش عمده مقدمه، تلاش غیرضروری و بدون قرائن تاریخی محقق برای اثبات شیعه بودن قطب‌بن محیی است (همان، ۲۷-۲۹). مقدمه با بحثی مفصل درباره حکمت در آیات و روایات شروع می‌شود و با بیان اینکه حکمت پس از پیامبر اکرم (ص) نزد ائمه اطهار^(ع) وجود دارد و کسی که اهل تشیع باشد حکمت را نزد امامان معصوم می‌جوید، ادامه می‌یابد. حاصل سخن اینکه هر که زبان به حکمت

”

با اینکه قطب بن محیی دوستدار و محب ائمه اطهار^(ع) بوده و در نامه‌های خود به دفعات زیادی از آن بزرگواران و حضرت فاطمه زهرا^(س) یاد کرده است و این خود عامل توجه بسیاری از علمای شیعه به مکاتیب است، اما بنا بر قرائن و شواهد تاریخی، او اهل سنت و مطابق مرسوم اهل فارس شافعی بود.

“

بگشاید اهل تشیع است و با حکمت‌آمیز خواندن مکاتیب چنین نتیجه‌گیری می‌کند که قطب شیعه بود و سپس، با تمسک به روایات و نمونه‌هایی تاریخی می‌کوشد اثبات کند که برخلاف شواهد تاریخی و نامه‌های خود قطب که حاکی از تسنن اوست، وی شیعه بوده و تقیه می‌کرده است (همان، ۲۷-۳۷). دکتر زرین کوب حتی احداث اخوان‌آباد را خالی از اغراض سیاسی نمی‌داند و از سویی هم با استناد به مکتوباتی که نشان می‌دهد قطب شیخ اهل سنت بوده، تأسیس این مدینه فاضله صوفیانه را دعوت دوستان و پیروان خود برای احیاء سنت پیامبر اکرم (ص) عنوان می‌کند (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۷۷-۷۶).

با اینکه قطب بن محیی دوست‌دار و محب ائمه اطهار^(ع) بوده و در نامه‌های خود به دفعات زیادی از آن بزرگواران و حضرت فاطمه زهرا^(س) یاد کرده است و این خود عامل توجه بسیاری از علمای شیعه به مکاتیب است، اما بنابر قرائن و شواهد تاریخی، او اهل سنت و مطابق مرسوم اهل فارس شافعی بود و به اصول دینی تقید بسیار داشته و هیچ تسامحی را نمی‌پذیرفته است؛ حتی یکی از فرزندان او، نظام‌الدین محمود به دلیل توجه به حفظ شعائر اهل سنت در جریان سنی‌کشی‌های طهماسب صفوی در تبریز کشته شد (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۹۵: بیست و هفت - بیست و هشت). در مقدمه دیگر چاپ‌های مکاتیب چنین تلاشی بر اثبات شیعی بودن قطب نشده است و ضمن اشاره به سنی بودن او و اینکه «انظروا إلی ما قیل و لاتنظروا إلی من قال» (عبدالله قطب بن محیی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۱)، اهمیت محتوای نامه‌های قطب مورد تأکید و توجه قرار می‌گیرد.

۴-۴- عناوین نامه‌ها

از دیگر ویژگی‌های این چاپ مکاتیب، اسم‌های فارسی است که مصحح خود به تمام مکتوب‌های قطب داده است. تا جایی که بررسی کرده ایم، فقط تعدادی از نامه‌های قطب اسم دارند که آنها هم به عربی است، مانند مکتوب سوم با عنوان «نسیان الذات» که در تمام چاپ‌ها این عنوان دیده می‌شود؛ یا اسامی ویژه‌ای مثل «مکتوب الحمید»، «مکتوب العزله»، «مکتوب الخلوه و الجلوه» و اسامی دیگری که بازگو کننده محتوای نامه‌ها است. در کتاب مورد بررسی، محقق ارجمند اسامی عربی نامه‌ها را که در دستنویس‌های مکاتیب درج شده است، داخل کمان و عناوین فارسی را که خود بر نامه‌ها گذاشته، در قلاب آورده است.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه مکتوبات قطب، آوردن عنوان در نامه‌ها است، یعنی ذکر نام قطب و سپس مکتوب‌الیه (کسی که نامه به او نوشته شده است) و به این نحو، مخاطب نامه را مشخص می‌کند. در چاپ مورد بررسی این عنوان در آغاز تمام نامه‌ها دیده می‌شود، حال آنکه در چاپ باقری و به تبع آن، انتشارات قائم این بخش اصلی از نامه‌ها محذوف است.

۴-۵- توضیحات و تعلیقات

تعلیقات: مکاتیب قطب مشحون از اصطلاحات و تعبیر عرفانی، اسامی عرفا و اشخاص و اماکن و اشارات تاریخی و فرقه‌ها است که نیازمند ارائه توضیحاتی از سوی مصحح کتاب بود، به خصوص اینکه، اغلب نامه‌ها خطاب به شخص مشخص و معینی نوشته شده است. اما کتاب عاری از تعلیقات است و فقط آیات قرآن و تعداد معتناهایی از عبارات عربی و برخی واژگان که از سوی مصحح، دشوار تشخیص داده شده و علت این گزینش هم، جای بحث و نقد دارد، در پانویشت هر صفحه، ترجمه و معنا شده است. بنابراین، تعلیقات کتاب، به صورت پانویس به متن کتاب برده شده و آن هم منحصر به ترجمه آیات و برخی عبارات عربی و ذکر معنای لغوی برخی واژگان نه چندان دشوار از فرهنگ لغات است.

قطب‌بن محیی در نامه‌های خود به میزان قابل توجهی به اشعار فارسی و عربی استشهد کرده است، گذشته از این که خود نیز طبع شعر داشته و برخی اشعار از خود اوست. بنابراین ذکر نام شاعران این ابیات در تعلیقات لازم بود، همان‌طور که در چاپ فرهنگستان نام شعرا و تعداد ابیات آنها به صورت آماری و دقیق ذکر شده است (دانشگر، ۱۳۶۹: سی-سی و یک).

لغاتی که در پاورقی کتاب معنا شده است: در پانویس صفحات کتاب، مصحح معنای لغوی تعدادی از واژگان را که معنای بسیاری از آنها روشن است، آورده است، مانند: به مثابه: به منزله، همچون (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۱)، هیئات: چه دور است (همان: ۲۳)، ندیم: هم‌کاسه، هم‌نشین، یار و مونس (همان: ۲۸) و لغاتی چون: قشون، زینهار، کهنین و مهین، شهریار. در حالی که بسیاری از واژگان با معانی دیرپا و دشوار و بدیع در متن کتاب وجود دارد که نیازمند شرح و توضیح است، ولی به آنها توجهی نشده است، مانند: تسویل، تعسف، مدعن و بسیاری از لغات دیگر.

برخی لغات ستاره‌دار هم در متن دیده می‌شود که معلوم است در بازبینی مجدد، در بین لغاتی که قبلاً با شماره، مشخص و معنی شده، گنجانده شده است.

معانی ذکر شده برای لغات نیز در اغلب موارد، جای بحث دارد، از جمله: عدم اشاره به ریشه کلمه و جمع یا مفرد بودن آن که برای برخی واژگان لازم است؛ برای واژگانی که دارای چند معنای متعدد است، همه معانی آن ذکر شده و مشخص نشده که کدام معنا متناسب با متن است. ذکر چند شاهد مثال:

- سودا به معنی اندیشه، هوس، محبت شدید (همان: ۲۵۰). مصحح معلوم نکرده که کدام معنی برای این واژه در جمله‌ای که به کار رفته، مناسب است.

- شجون در جمله «ای هم‌نفسان، هر چند در فنون سخن می‌زنم تا مگر شجون محن فراموش کنم...»، به معنی شاخه‌های در هم پیچیده، شعبه‌ها، غصه‌ها (همان: ۲۴۷) ثبت شده است. معانی متعددی که برای این واژه نوشته شده، در واقع مربوط به دو کلمه با ساختاری متفاوت است که صورت نوشتاری و تلفظ آنها عیناً مانند هم است. شجون به معنی شعبه‌ها و شاخه‌های پیچ در پیچ، اسم و جمع شجن و شجن است. اما، شجون، ج شجن، به معنی غصه‌ها، مصدر است که معنی دقیق و درست آن، اندوهگین کردن/ شدن است و به عنوان اسم، به معنی حزن و اندوهگینی است. از این رو، معنی غصه‌ها که مصحح برای شجون نوشته درست و دقیق نیست، چون شجون در معنی حزن، مصدر است و جمع نمی‌باشد (دهخدا، ۱۳۹۲: ماده شجن و شجون و مسعود، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۰۰۸، ماده الشجن).

شواهد دیگری هم هست که نشان می‌دهد واژگان با دقت کافی معنا نشده است. مثلاً:

- در معنی تنفیس کرب در عبارت «بعد از آنکه بیم آن بود که از قلتِ راغب و مستمع که متحمل بعضی اعباء واردات عالم ذکر گردد، دیگ سینه از جوش و خروش بر خود بشکافد، و احتیاج هم‌نفسی که برای تنفیس کرب ارواح ساعتی با وی نفسی زند به ابلغ و جهی واقع...»، آمده است: گشایش و آسایش و رهایی (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۵۲). لازم به ذکر است که معنی کرب، که غم است، ذکر نشده و تنفیس اصلاً به معنی رهایی بخشیدن از غم است.

- در جمله «... و این اجتماع الهی و اشتباک ربّانی که رشک اشتباک نجوم و وسیله‌ی حفظ از

شرّ هر شیطان مرجوم است انتظام یافت»، اشتباک اوّل، به ائتلاف و درآمیختن، معنی شده است (همان جا)، که معنی دقیق‌تر آن، درآمیخته شدن امور است (همان جا).

- در جمله «از بنده‌ای که صعوبت مفارقت احباب، او را صعوبت مفارقت کبری و العیاذ بالله منها یاد داده ...، قطب بن محیی بن محمود، عجاله‌الوقت به سوی اخوان الهی ...» (همان: ۴۷)، عجاله در پانویشت صفحه به «حاضری، آنچه از طعام که زود فراهم آید» معنا شده است. هر چند یکی از معانی عجاله در لغت‌نامه‌ها، معنایی است که مصحح ذکر کرده، اما با توجه به جمله، ترکیب عجاله‌الوقت به معنی اکنون و همین حالا است. واژه عجاله به معنی کاری که با شتاب انجام داده شود، نیز هست.

- شاهدهی دیگر برای عدم تناسب معنی واژه با سیاق جمله، این عبارت است: «لیکن ولیّ خدا را در خدا دو گونه نظر است: گاه از ذروه، ناظر به صفات او آید، و گاه از غارب، ناظر به نعم و آثار او» (همان، ج ۲: ۱۶۸۵). با اینکه یکی از معانی غارب همان است که مصحح نوشته است، یعنی میان کوهان و گردن شتر، ولی بدیهی است که در جمله بالا، دست کم معنایی مجازی و ثانویه از آن استنباط می‌شود که معنی فرود و حسیض و هر آنچه در تقابل با معنی ذروه باشد، بدهد.

موارد متعدد این چینی در سه جلد مکاتیب، پانویشت کتاب را به لغت‌نامه‌ای مبدل کرده است که معانی متعدد واژگان را بدون توجه به تناسب آن با متن، و به همان صورتی که در لغت‌نامه‌ها آمده، آورده است.

نمونه دیگر، تلفظ نادرست کلمه است: رُز: انگور (همان، ج ۱: ۳۳) که باید رَز باشد و با اینکه معنی آن روشن است، باز در پانویشت صفحه ذکر شده است. در برخی کلمات و ترکیبات هم، ابهام وجود دارد که برطرف نشده است، مانند: «خستگی درب هرمز» (همان، ج ۱: ۲۰۲). بعضی واژگان نیز به صورت تکراری در صفحات مختلف معنا شده‌اند.

اصطلاحات عرفانی: «وضع لغات و اصطلاحات یکی از ویژگی‌های زبانی قطب‌بن محیی است. گمان می‌رود یکی از دلایل او در توجه به ساخت واژگان، پرهیز از تشبّه به صوفیانی بوده که در حوالی منطقه سکونت او می‌زیسته‌اند. استفاده از الفاظ «اخوان، اخوان‌آباد، روش زیست» به جای اصطلاحات رایج صوفیان روزگارش را باید ذیل زهد متشرعانه قطب و پابندی او به

اندیشه‌های سخت‌گیرانه‌ای که هیچ‌گونه تسامحی را برنمی‌تابید، بررسی کرد.» (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۵: شانزده) یا نمونه‌ی دیگر از کاربرد اصطلاحات خاص او، «شیخ اخوان» به جای پیر و مرشد است. (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۸۷۹) با توجه به این مطلب، از موضوعات مهم اما مغفول در این کتاب، عدم توجه به اصطلاحات عرفانی است. مصحح فقط به معنای لغوی اصطلاحات اکتفا کرده و توجهی به معنای عرفانی آنها به عنوان اصطلاح نداشته است. همچنین به اصطلاحاتی که قطب وضع کرده و به کار برده است و در زبان عرفانی مکاتیب در قیاس با دیگر آثار عرفانی تفاوت ایجاد کرده است، اشاره‌ای نشده است.

از باب نمونه، در مکتوب سی‌ام با عنوان «استهتار فی الذکر»، در معنی واژه استهتار نوشته‌اند: «استهتار: آزمند چیزی گشتن چنان که باکی از ننگ و نام نداشته باشد، میل شدید به چیزی و افراط در آن که جز از آن نگوید» (همان، ج ۱: ۸۸). باید توجه داشت که استهتار از اصطلاحات عرفانی است و در حوزه معنایی اصطلاح ذکر قرار می‌گیرد. روزبهان بقلی استهتار را از مقامات عشق دانسته، چنین شرح می‌دهد: «چون عاشق از عشق پر شود و عشق همه دل او را فراگیرد و به همه عروق دل سرایت کند، او را مست می‌نماید. پس از مستی بی‌پروا می‌شود. زبانش بدون اختیار و پیوسته محبوب را یاد می‌کند و مانند ابله دلداده‌ای است که به طاعت محبوب، دل‌باخته و طمع وصال او را در خدمت به او یافته است. ... چون عاشق در این مقام کامل شود، در سیرش از حدث به قدم به فردانیت حق، به وصف صفای ذکر در ظاهر و صفای عشق در باطن و صفای مشاهده در درون از غیر او جدا می‌شود ... عارف گفت: استهتار بیرون آمدن از حدثان است، با مرکب‌های ذکر آمیخته با ادراک مذکور، به فضای وسیع فردانیت» (روزبهان بقلی، ۱۳۸۹: ۳۵۳). همچنین، در متن کتاب، کلمه مستهتر برای ارجاع به معنای لغوی در پانویس شماره‌گذاری شده، ولی به جای آن استهتار که چند سطر بعدتر از مستهتر آمده، معنا شده و معنی مستهتر که شیفته و مجذوب شده (عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۳۶: ۶۸۲) است، بیان نشده است.

ترجمه آیات و عبارات عربی: تمام آیات به کار رفته در این کتاب، حتی در مواردی که یک یا دو کلمه از آیه شریفه‌ای نقل شده باشد، ترجمه شده است. عبارات عربی که مأخذ آنها (یعنی منبعی که این عبارت در آن آمده است، ولو برای استشهاد) و نیز چند مکتوبی که به زبان عربی نوشته شده، تنها در موارد اندکی که شامل بخش‌هایی از مکتوب عربی باشد ترجمه شده

است. دربارهٔ ابیات عربی به کار رفته در متن، که تعداد آنها کم هم نیست، جز یک یا چند مورد اندک، ترجمه و نیز گویندهٔ آنها معلوم نشده است. حتی در جلد سوم تعداد قابل ملاحظه‌ای از مکتوبات عربی یا یکی از نامه‌ها که قصیده‌ای به زبان عربی است، بدون ترجمهٔ ابیات و ترجمهٔ لغات دشوارِ آن رها شده و تنها آیات قرآن و یا عباراتی که در برخی منابع نیز آمده، ترجمه شده است. همان‌طور که اشاره شد، مصحح کوشیده است برای عبارات عربی به کار رفته در متن نامه‌ها، مأخذی بیابد و در بسیاری موارد، این کار را انجام داده است. ولی نکته اینجا است که معلوم نیست آن عبارتی که در آن کتاب آمده، حتماً مأخذ قطب‌بن محیی بوده باشد. در مواردی هم ترجمهٔ عبارتی از قطب‌بن محیی در متن نامه آمده، اما مصحح بدون توجه به این مطلب، مجدداً معنایی برای آن در پانوشت صفحه، ذکر کرده است (مانند: عبدالله قطب‌بن محیی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۱).

۴-۶- نکات فنی، ویرایشی، نگارشی و ...

- جملات معترضه و ترکیبات عربی که در ضمن نامه‌ها آمده و در متون عرفانی، به ویژه معمول است، جزئی از کلام فارسی محسوب می‌شود و نیازی به متمایز کردن آنها از جملات فارسی نیست. اما مصحح در هر سه جلد مکاتیب، با تغییر فونتِ آن عبارات عربی یا داخل گیومه گذاشتن آنها، خود را ملزم کرده است عبارات و جملات عربی را از فارسی متمایز کند. مانند: «عزت را «عزّ اسمه» هیچ ماندگی با هیچ کس و هیچ چیز نیست» (همان، ۱۸).

- اغلاط چاپی، ایراداتی در شماره‌گذاری موارد توضیح داده شده در پانوشت صفحات (مانند: همان، ۱۷۹) و مانند آن که ذکر همهٔ آنها بحث را به درازا می‌کشاند، در کتاب مورد بررسی دیده می‌شود. البته این مطلب را هم باید ذکر کنیم که علائم نگارشی و ویرایشی در این کتاب رعایت شده و چنانچه پیشتر نیز اشاره شد، گاهی مبین خوانش درست مصحح از متن است و گاه نیز عکس آن.

- تعداد نامه‌های این مجموعه سه جلدی، ۱۰۲۴ نامه است. اما مصحح در مقدمه آنها را ۹۸۰ مکتوب اعلام کرده است (همان، ۴۸).

- دربارهٔ صفحه‌آرایی کتاب هم نکته قابل ذکر آنکه چاپ مکتوبات در کاغذی به رنگ

قهوه‌ای، برای متن مصححی که بی‌شک مورد مراجعه پژوهشگران و محققان خواهد بود، مناسب نیست.

- **نمایه:** نمایه پایان کتاب، شامل فهرست اعلام و اشخاص، اماکن، طوایف و فرق، کتب و برخی از اصطلاحات است. با توجه به کثرت آیات و احادیث و عبارات عربی و نیز ابیات فارسی و عربی در نامه‌های قطب، تهیه و تنظیم فهرستی جامع و کامل از آیات، احادیث، منقولات عربی و نیز ابیات عربی و فارسی در این بخش، ضروری بود.

در فهرست منابع کتاب که بر اساس نام کتاب‌ها است، نه نام مؤلف، چنانچه معمول و متداول است، نام قرآن کریم که می‌باید در صدر کتاب‌نامه قرار می‌گرفت، با عنوان ترجمه قرآن، در جای خود در ترتیب الفبایی آمده است. همچنین، مصحح هیچ یک از منابع و تعداد مجلدات برخی کتاب‌ها ذکر نشده است. می‌دانیم که در امر تحقیق و پژوهش، استفاده از تصحیح‌های معتبر از اهمیت بسیاری برخوردار است و این موضوع، ذکر مصحح آثار را ضروری می‌کند.

- مؤلف تفسیر مشهور کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار که رشیدالدین ابوالفضل میبیدی است، به اشتباه، احمد بن ابی سعد میبیدی نوشته شده است (همان، ج ۳: ۲۶۴۹).

- کتاب احسن‌الترتیب فی نظم درالمکاتیب که نوشته حبیب‌الله کاشانی است ... (همان، ج ۱: ۴۱)

احسن‌الترتیب نوشته ملاحبیب‌الله نیست، بلکه گزینش وی است که باید تصحیح شود.

نتیجه‌گیری

کتاب سه جلدی مکاتیب، که آخرین چاپ نامه‌های قطب بن محیی است، کوششی دیگر برای احیای این اثر ارزشمند و اغلب نادیده گرفته شده در مطالعات عرفانی است. با وجود تلاش و زحمت محقق ارجمند آن برای گردآوری ۱۰۴۲ مکتوب از مکتوبات این عارف بزرگ که بخشی از آنها قبلاً چاپ شده و بخشی برای نخستین بار است که منتشر می‌شود، برخی کاستی‌ها در آن دیده می‌شود که در این نوشتار برخی از آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نکاتی چون: روش تصحیح، نسخه‌شناسی، تعلیق‌نویسی و تحقیق و پژوهش درباره موضوعات مختلفی که در کتاب قابل پیگیری و طرح بود. نقد و بررسی این چاپ ارجمند که جوانب مذکور گاه مورد

عنایت واقع نشده است، از ارزش این کار نمی‌کاهد و چنانکه قبلاً هم متذکر شدیم، از امتیازات این مجموعه، جمع‌آوری نامه‌های پراکنده در چاپ‌های متعدد و همچنین، نامه‌های چاپ شده است که کار را برای پژوهشگران و محققان حوزه عرفان و به ویژه اندیشه‌های قطب‌بن محیی و نامه‌های او سهل و آسان کرده است.

پی‌نوشت

- ۱- مشخصات این دو مقاله، در فهرست منابع آمده است.
- ۲- همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه قطب‌بن محیی» که در ۲۴-۲۶ شهریور ۱۳۹۹ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در تهران و به صورت مجازی برگزار شد. چکیده مقالات این همایش منتشر شده است.
- ۳- زمانی که نوشتار حاضر در مرحله صفحه‌آرایی بود، جلد دوم مکاتیب قطب‌بن محیی نیز پس از سالها، به کوشش دکتر مریم دانشگر در بهمن ۱۴۰۲ از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی چاپ و منتشر شد. بنابراین نگارنده جلد دوم را در اختیار نداشت و استفاده از آن در این نوشتار ممکن نشد و به لطف سردبیر محترم مجله، فقط، فرصت اطلاع‌رسانی به خوانندگان محترم فراهم شد.

کتاب‌نامه

- ۱- بدیعی، محمد (۱۳۸۴)، «سیر تاریخی نگارش مکاتیب عرفانی»، آینه پژوهش، دوره ۱۶، شماره ۶۹، زمستان. صص ۵۰-۴۵.
- ۲- حادقی، ابوالفضل (۱۳۴۴)، «مکاتیب قطب‌بن محیی و مکتب عرفانی او»، مجله مهر، شماره ۷، سال یازدهم، صص ۳۹۳-۳۹۶.
- ۳- خرمیان، جواد (۱۳۸۸)، «جستاری در منتخب مکاتیب قطب»، آینه پژوهش، دوره ۲۰، شماره ۱۱۹، زمستان، صص ۷۵-۶۸.
- ۴- دانشگر، مریم (۱۳۹۱)، «یافته‌هایی پیرامون زندگی عبدالله قطب‌بن محیی و موقعیت جغرافیایی اخوان‌آباد»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان، شماره پیاپی ۵، صص ۹۵-۱۱۰.
- ۵- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، نرم‌افزار لغت‌نامه دهخدا (نسخه جدید). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- روزبهان بقلی شیرازی (۱۳۸۹)، مشرب‌الارواح، ترجمه قاسم میرآخوری، انتشارات آزاد مهر، چاپ اول، تهران.

- ۷- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، «شیوه نقد و تصحیح متون»، آینه میراث، سال سوم، شماری دوم و سوم، صص ۷۳-۷۶.
- ۸- _____ (۱۳۸۷)، دنباله جستجو در تصوف، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، تهران.
- ۹- علامه قزوینی (۱۳۳۹)، «رسائل قطب بن محیی»، یغما، شمار مسلسل ۱۴۵، شماره پنجم، مرداد، سال سیزدهم، صص ۲۲۵-۲۳۵.
- ۱۰- عبدالله قطب بن محیی (۱۳۸۴)، مکاتیب عبدالله قطب، انتشارات قائم آل محمد^(ص)، چاپ اول، قم.
- ۱۱- _____ (۱۳۹۶)، مکاتیب (ج۳)، تصحیح و تحقیق: هادی کاظمی، انتشارات کانون پژوهش، چاپ اول، اصفهان.
- ۱۲- _____ (۱۳۳۶)، مکاتیب عبدالله قطب بن محیی، تصحیح و تحقیق: سید محمدجعفر باقری، انتشارات خانقاه احمدی، چاپ دوم، تهران.
- ۱۳- _____ (۱۳۸۷)، منتخب مکاتیب عبدالله قطب، ملامحسن فیض کاشانی، مصحح: سید مجید حسین زاده حجازی، با مقدمه جواد خرمیان، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران.
- ۱۴- _____ (۱۳۹۵)، مکاتیب قطب بن محیی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر مریم دانشگر، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، تهران.
- ۱۵- مجرد، مجتبی (۱۳۹۶)، «نقد معیارهای سنجش اعتبار دستنویس های فارسی»، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۷، شماره هفتم، دی، صص ۱۴۳-۱۵۵.
- ۱۶- مسعود، جبران (۱۳۸۶)، الرائد (ج ۲)، ترجمه دکتر رضا انزابی نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر)، چاپ پنجم، مشهد.
- ۱۷- وثوقی، دکتر محمدباقر (۱۳۸۰)، «مکاتیب قطب بن محیی کوشکناری لاری (و تأثیر آن در تأسیس شهر قطب آباد)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، خرداد و تیر، صص ۱۳۰-۱۳۸.